



۱۰

بازگشایی موزه

هنرهای تجسمی معاصر پاسارگاد

اگر این روزها در خانه مانده اید

می توانید سری به تولیدات شبکه نمایش خانگی بزنید

شبکه سینمای خانگی



۱۲

۹
جام جم

فرهنگ
دوشنبه: ۱۲ اسفند ۱۳۹۸ :: شماره ۵۲۱۴



(خوب، بد، جلف ۲) یکی از اکران های نوروزی است

منتقدان درباره این فیلم چه می گویند؟

فرمانده کسلر در سینما

یادداشت

مهدی پیکه سادات
جام جم

طمعکارند، نه غریزده

❏ در سال های اخیر راجع به بازار کتاب های کودکان بسیار سخن رانده شده؛ از حجم کم کتاب های منتشرشده در این حوزه تا نسبت کتاب های ترجمه شده به تالیف و انتشار آمار عجیب و غریبی که نشان می دهد نسبت دو حوزه تالیف و ترجمه فاصله زیادی با هم دارند. اما مساله ای که بیش از همه در مورد آن صحبت شده، هجمه فرهنگی ای است که کتاب های ترجمه به نسل نوپای ما وارد می کند و ترسی که از مستعمره شدن کودکان در حوزه فرهنگی ایجاد شده است.

از آنجایی که بیشتر بنگاه های نشر- و نه همه آنها - تبدیل به بنگاه های اقتصادی شده اند، لذا آنچه از آن به نام پروپاگاندای فرهنگ غربی نام برده می شود به واقع چیزی نیست جز تجارت کالایی که سود بیشتری دارد و باتوجه به این که فرهنگ در انتهای فهرست اهداف این بنگاه ها قرار می گیرد، بالطبع برای رسیدن به سود بیشتر مجبور به استفاده ترجمه به جای تالیف هستند.

اما چرا کتاب ترجمه شده سود بیشتری دارد؟ برای رسیدن به پاسخ این مهم باید بدانیم موضوعات متمایزکننده ترجمه نسبت به تالیف در دو بخش اصلی خلاصه می شود:

حق الترجمه و حق التالیف: در قرارداد مؤلف با ناشر، ناشر متعهد می شود علاوه بر حق التالیف، در ازای هر دوره چاپ مجدد، مبلغی به مؤلف پرداخت کند اما در ترجمه، بیشتر ناشران به مثابه بنگاه های اقتصادی، کتاب پرفروشی را انتخاب کرده و سفارش ترجمه آن را به مترجم - و نه الزاما مترجم کتاب کودک - در ازای مبلغی می دهند که معمولا مبلغ چشمگیری نیست و ضمنا پرداخت هزینه برای هر دوره چاپ نیز دیگر نوزمی ندارد، چراکه خود ناشر سفارش ترجمه را داده و صاحب اثر ناشر است.

تصویرگری: تصویرگری برای کتاب تالیفی هزینه بالایی دارد، چراکه هنرمند تصویرگر می بایست با خواندن متن نسبت به خلق تصاویر مرتبط با آن اقدام کند اما در بنگاه های اقتصادی یادشده تنها با يك اسکنر تصویر کتاب اصلی را برای ترجمه آن استفاده می کنند. در پاره ای از موارد دیده شده که ناشر حتی حاضر به پرداخت هزینه برای طرح جلد نیز نبوده و عینا طرح جلد کتاب خارجی را برای ترجمه آن نیز استفاده می کند.

البته نباید از نظر دور داشت که ترجمه امیری لازم است، اما مشکل در این است که چارچوب و منظومه فکری مناسبی برای نشر حوزه کودک تعریف و اجرایی نشده است. در نتیجه این گونه ناشران، در واقع به تنها چیزی که نمی اندیشند فرهنگ است، چه رسد به پروپاگاندای فرهنگی برای ترویج فرهنگ غرب. ❏

سریال پایتخت تاکنون توانسته با موسیقی خود خیلی ها را سرحال بیاورد این اتفاق در فصل ششم هم ادامه دارد

یک جهان موسیقی در «پایتخت»



چرا شعرهای شاعران در واکنش به ویروس جدید رانمی شود چندان جدی گرفت؟

عشق روزهای کرونا

❏ واکنش ها به شیوع ویروس کرونا در ایران ادامه دارد و در این میان بی تردید در جنس شناسی این واکنش ها، شوخی سازی و ایجاد سرگرمی با حواشی و متن آن رادر صدر می بینیم. چند ویدئو از مردم در قرنطینه های شخصی شان دست به دست شده که آنها را در حال گذراندن وقت با سرگرمی های خلاقانه نشان می دهد. چقدر متن و صوت خلاقانه در این مدت منتشر شده است. البته بین ویدئوها، یکی هم هست که بیش از همه به چشم آمده؛ کاری که در نهایت خیرخواه بازیگر تئاتر پایکی از سمفونی های معروف پتهوون کرد. در ویدئو او را در حال رهبری يك ارکستر می بینیم که به جای راهنمایی نوازنده ها، در حال آموزش روش درست شست و شوی دست ها به ماست. در توضیح این ویدئو آمده: «طریقه شستن درست دست ها در موقعیت بحران، ارکستر سمفونیک شویندگان بلا».

شاعران هم مثل همیشه بیکار ننشسته اند. البته راستش را بخواهید تقریبا هیچ يك رانمی شود جدی گرفت! نه، برنخورد بهشان يك وقت؛ خب برخی شان که فی نفسه طنزنند و آن چند تایی دیگر هم از آنجا که شعرهایی واکنشی محسوب می شوند، از آسیب های واکنش برکنار نمانده اند؛ هم شتایزدگی در آنها دیده می شود و هم هیجان کاذب. با این حال ما آنها را برایتان تقسیم بندی کرده ایم.

صابر محمدی

ادبیات و هنر

عاشقانه های طنز

بیشتر شعرهایی که در این چند روز در رابطه با شیوع ویروس کرونا منتشر شده، عاشقانه هایی است با محوریت شوخی با این ویروس. تم اغلب آنها یکی است؛ رعایت نکات بهداشتی، بوسیدن را منع کرده و شاعران هم حسابی شاکی شده اند که این عنصر مهم در سنت شعری ما، با چنین ممنوعیتی مواجه شده است. مثلا حافظ و اسماعیل امینی، دو تایی با هم يك بیت بیشتر ننوشته اند، این طور که:

در بهای بوسه ای جانی طلب
می کنند این مبتلایان، الغیاث!
سعید بیابانکی هم طعنه به اهالی چین زده؛ جایی که ویروس کرونا اول بار از شهر ووهان آنجا به جهان

نشر پیدا کرد:

دستان پر از محبت ما را کشت
آغوش پر از حرارت ما را کشت
اینها به کنار، چشم بادامی من
تست کرونا ی مثبتت ما را کشت!
سید علی نقیب هم سراغ محتوایی مکرر و آشنا در سنت شعر کلاسیک خودمان رفته. همان سنتی که معشوق را با همه ناملایمتهی ها و ویروس هایش می خواهد. همان سنتی که سعدی در لوائ آن می گوید: «زهر از قَبَل تو نوشدارو / فحش از دهن تو طبیات است»، نقیب در ادامه همین سنت نوشته؛ در گردش چشم تو گمم، باور کن!
انگشت نمای مردمم، باور کن!
عشق تو شیوع کرده در شهر دلم

چشمست کرونا و من قمم، باور کن!
شروین سلیمانز از این سنت فراتر رفته و خودزنی کرده؛ باید پس از این فرار معکوس کنم
جای رؤسا تکیه به ویروس کنم
مأیوس از آینده ام و می خواهم
هر کس کرونا گرفته را بوس کنم!
مهدی پرنیان هم در این میان با نام مستعار شیخ غیرمفید، تلویحا به محبت معوق اما وقتی ماجرا سر خودش هم آمده، مبتلا به کرونایی را که بهداشت را رعایت نکرده، نامرد نامیده است:
هی بپست به کار همتش را نامرد
تا نشر دهد محبتش را نامرد
بوسید مرا، سپس نشان داد به من
تست کرونا ی مثبتش را نامرد!

شوخی با شعرهای جدی!

حالا شما زیاد جدی نگیرید. منظورمان شعری است که قرار است نقلش کنیم؛ زیاد جدی اش نگیرید. اما خب پای این شعر از بهاره رهنمای بازیگر هم به میان آمده در این میان، یکی از کاربران توییتر تصویری از یکی از صفحات کتاب شعر او را منتشر کرده و نوشته: «ااا و ویروس کرونا خواست وارد کشور بشه این کتاب شعر بهاره رهنما رو نشونش بدید، خودش برمی گرده: او من عاشق غافلگیری ام / من خر / من احمق / یادش خوش / خراحمق بی نظیر شهر قصه که روزگاری عاشقش بودم...».

دعای آقای علا

اگر شما هم آرام آرام داشتید نگران می شدید که چطور پس از گذشت ده روز از اعلام رسمی ورود ویروس کرونا به ایران، واکنش سریع ترین شاعر ایرانی هنوز نسبت به آن موضعی ابراز نداشته اند، دیگر نگران نباشید. در واپسین لحظه های طنزیم [همان تنظیم است به تأسی از زنده یاد عمران صلاحی] این گزارش بالاخره خبر رسید که افشین علا برای مقابله با شیوع ویروس کرونا و مشکلات مردم در این روزها شعری سروده و همه ما را از نگرانی رها نیده است.

اسم شعر را «دعا» گذاشته و همان طور که از نامش هم برمی آید برای این روزهایمان دعا کرده است:

یارب این ملت دل سوخته رایاری کن
بارش رحمت خود را به وطن جاری کن
به تو بردیم پناه از مرض و فقر و دروغ
وطن غم زده را زین سه بلا عاری کن
دشمن از هر طرفی چشم به ما دوخته است
تو از این ملت و این ملك، نگه داری کن
زخم تحریم و غم زلزله و سیل هنوز دارد این قوم، کنون چاره ی بیماری کن
اغنيا جمله قرنطینه ز اقات شدند
این میان از فقر رفق گرفتاری کن
اختیار همه با توست، از این جبر چه بیم؟
ضعفاران تو ولی بیمه اجباری کن
بی پرستار و طبیب اند چه بسیار مریض تو خود از این همه مظلوم پرستاری کن
مارو ادا ر نبودیم به هم از چپ و راست
با چنین جمع پریشان تو رو اداری کن
بین حکام و رعایا که ز هم دور شدند
رفع بدبینی و بدگویی و بیزاری کن
ظالمان را که ندارند ز مظلوم خبر
اهل داد و دهش و ترك ستم کاری کن
جیب های تهی کارگران را پر پول
روفق داد و سته هدیه به بازاری کن
تاسر دشمن چون گرگ خورد باز به سنگ
خواب خرگوشی ما ختم به هشیاری کن
روسیا بهم خدا یا تو به خون شهدا
آبرویی که نداریم خریداری کن ❏



صابر محمدی معروف

به صابر خان یا همان

س.ص.م که البته کارهای

خفنش را با این نام آخری می نویسم،

امروز رفته سراغ عاشقانه های کرونایی. در همین صفحه ۹ نوشته که شاعران و طنزپردازان چگونه در تلاشند تا به ریش این ویروسك ملعون بختند و با تلاش برای قوی تر کردن جامعه چطور پرورده اش را بیچند برودپی کارش!

در صفحه بعدی زینب

مرتضایی فرد رفته سراغ

موسیقی خاص سریال

پایتخت و پنج سری گذشته اش را بررسی کرده. همکارمان به همین حد قانع نشده و درباره موسیقی سری ششم هم برای خودش گمانه زنی هایی کرده است.

در صفحه ۱۱ سازان قنبری از

خوب، بد، جلف برایتان

نوشته و نقدهایی که

منتقدان درباره آن منتشر کرده اند.

در صفحه ۱۲ هم رفته ایم

سراغ سریال های شبکه

نمایش خانگی. در این

روزها که اغلب ما سعی می کنیم

زمان های بیشتری را در خانه بمانیم،

تماشا ای این سریال ها می تواند

اتفاق سرگرم کننده ای باشد.

